

کتاب مقدس در نگاه اندیشمندان غربی

محمد فرجاد

به باور مسلمانان، انجیل کتاب آسمانی حضرت عیسی(ع) و تورات کتاب آسمانی حضرت موسی(ع) وحی الهی می باشد و پس از حضرت ابراهیم از سوی خداوند نازل شده است.

(وقفینا علی آثارهم بعیسی بن مریم مصدقا لما بین یدیه من التوراء و هدی وموعظه للمتقین) مائده

۴۶ /

(وانزل التوراء والانجیل من قبل هدی للناس) آل عمران / ۳ - ۴

(وقفینا بعیسی بن مریم و آتیناه الانجیل) حدید / ۲۷

(وما انزلت التوراء والانجیل الا من بعده) آل عمران / ۶۵

در برابر اعتقادات و باورهای قرآنی مسلمانان، گروهی از اندیشه وران غربی نگاهی انتقادی به کتاب مقدس دارند. این نگاه که از اهمیت و ارزش بسیاری برای سایر دینداران به خصوص مسلمانان برخوردار است دریچه ای نو فراروی آنها می گشاید و ایشان را با کاوش های جدید انجیل شناسانه آشنا می سازد و حقانیت قرآن و دین اسلام را هرچه بیشتر روشن می نماید. نوشتار پیش رو که با این هدف سامان یافته و شکل گرفته است، در پی آن است که خوانندگان محترم را با بخشی از مباحث کتاب مقدس آشنا سازد.

کتاب مقدس

مجموعه ای از کتاب ها، نامه ها و رساله های دینی که از قداست و ارزش بسیاری برخوردارند، کتاب مقدس نامیده می شوند.

کری ولف می گوید: به باور کلیسای مسیحی کتاب ها و نوشته هایی که مقدس خوانده می شوند کتاب مقدس نام دارند. ۱

این کتاب ۱۱۸۹ باب و در حدود ۳۱۰۰۰ آیه دارد. ۲

آفرینش عالم، عمل خدا، تقدیس و رفتار خدا نسبت به انسان، نیازمندی های دینداران چون خبرهای آینده و راهنمایی ها و نصایح دینی و ادبی از جمله موضوعات و مسائل مطرح شده در این کتاب است. ۳

اندیشمندان مسیحی کتاب مقدس را به دو بخش تقسیم می کنند:

۱. عهد قدیم *anci n t ament*

۲. عهد جدید *nouvea u t e s t ament*

عهد قدیم یا عتیق مجموعه کتاب های دینی یهودیان است. این کتاب ها که حجم های متفاوت و انواع گوناگون دارند در مدت نه قرن براساس سنن شفاهی به زبان های گوناگون نوشته شده اند. بسیاری از این کتاب ها در رابطه با حوادث خاص و در زمان های مشخصی که گاه بسیار از یکدیگر فاصله دارند، تصحیح و تکمیل شده اند.

نوشته های عهد قدیم را به سه دسته می توان تقسیم نمود:

الف. تورات، کتاب آسمانی حضرت موسی(ع) است. این کتاب از پنج نوشته زیر شکل گرفته است:

۱. سفر آفرینش ۲. سفر خروج ۳. سفر لاویان ۴. سفر اعداد ۵. سفر تثنیه.

ب. کتوبیم، آثار نویسندگان یهود در زمینه تاریخ، تحولات اجتماعی و عقیدتی یهودیان پس از وفات موسی(ع) است.

ج. نبوئیم، مجموعه کتاب های انبیاء بنی اسرائیل است. پیامبران بنی اسرائیل با در نظر گرفتن حضرت موسی(ع) چهل و هشت نفر هستند که از این تعداد شانزده نفر صاحب کتاب اند.

در تعداد نوشته ها و کتاب های عهد عتیق، میان پروتستان ها و کلیسای یونان اختلاف است؛ پروتستان ها عهد عتیق را دربردارنده سی و نه کتاب می دانند، اما کلیسای یونان پنجاه و سه کتاب را در شمار کتاب های عهد عتیق ذکر می نماید. ۴

دومین قسمت کتاب مقدس عهد جدید نام دارد. علت نام گذاری این قسمت به عهد جدید آن است که شریعت نو یعنی شریعت حضرت عیسی(ع) در برابر دیانت یهود قرار گرفت. این واژه در لغت یونانی به معنای آخرین وصیت یا عهد و پیمان به کار می رود. ۵

عهد جدید بیست و هفت کتاب، نامه و رساله را در خود جای داده است. نویسندگان عهد جدید در صورتی که (رساله به عبرانیان) را از آثار پولس رسول بدانیم هشت نفر می باشند، و اگر این رساله را از نوشته های پولس به شمار نیاوریم تعداد نویسندگان عهد جدید نه نفر می باشند .

عهد جدید از دو قسمت تشکیل شده است:

قسمت اول: اسفار تاریخی است. در این بخش زندگی و سرگذشت حضرت عیسی، یاران و حواریون او بیان شده است. انجیل متی، مرقس، لوقا و یوحنا در شمار نوشته های تاریخی قرار می گیرند؛ چنان که کتاب (اعمال رسولان) که شرح حال پیروان عیسی را پس از جدا شدن وی از آنها بیان می نماید و بر خدمات پولس رسول تأکید فراوان دارد از سری کتاب های تاریخی خوانده می شود. بنابراین از بیست و هفت نوشته عهد جدید، پنج نوشته در شمار کتاب های تاریخی قرار می گیرند.

قسمت دوم: نوشته هایی هستند درباره اصول عقاید، باورها و اندیشه های مسیحیت که در اصطلاح به این گونه از نوشته ها (تعلیمی) می گویند. مانند: رساله های پولس رسول به رومیان، قرنتیان اول، قرنتیان دوم، غلاطیان، افسسیان، فیلیپیان، کولسیان، تسالونیکیان اول، تسالونیک یان دوم، رساله به عبرانیان، رساله به یعقوب، رساله اول پطرس، رساله دوم پطرس، رساله یهودا، رساله اول یوحنا. ۶

بیشتر نوشته های فوق به صورت نامه به کلیساها نوشته شده و هدف نویسندگان، آموزش کلیساها در اصول ایمان، عقاید و اخلاق مسیحی می باشد و از آن میان تنها (رومیان) به جهت بحث و استدلال رسمی نوشته شده است. ۷

تعداد دیگری از نوشته های عهد جدید، شخصی هستند، مانند تیموتاؤس اول و دوم، تیطس، فلیمون، رساله دوم و سوم یوحنا، این نامه ها معمولاً برای افراد نوشته شده است نه گروه ها، ولی چون دریافت کنندگان نامه از بزرگان کلیسا بودند این نامه ها که جنبه تربیتی و نصیحت داشتند

جزء کتاب مقدس آورده شدند. تقسیم نوشته های عهد جدید به تاریخی و عقیدتی به آن معنی نیست که در لابه لای کتاب های تاریخی از مسائل عقیدتی یاد نشده باشد. برای نمونه در برخی نوشته های تاریخی مطالبی درباره نبوت ذکر شده است.

خاستگاه کتاب مقدس

دیدگاه های گوناگونی درباره خاستگاه کتاب مقدس وجود دارد. گروهی از مسیحیان، کتاب مقدس را وحی الهی نمی دانند و عده دیگری آن را وحی الهی می خوانند. کسانی که معتقد به وحی الهی اند به دو گروه تقسیم می شوند:

۱ - گروه اول معتقد به وحی میکانیکی می باشند آنها می گویند کلمه کلمه و حرف حرف کتاب مقدس املاء روح القدس است. در سفر خروج می خوانیم: (پس موسی تمام سخنان پروردگار را نوشت) ۸ و در کتاب ارمیا آمده است: (کلام و سخنی که از سوی پروردگار به ارمیا رسید درحالی که ارمیا می گفت: چنین سخن گفت پروردگار) ۹

ریچارد بوش می نویسد:

(الفاظ و واژه هایی که در کتاب مقدس به کار رفته است عین همان کلماتی است که از جانب خداوند فرود آمده و بر نویسندگان کتاب مقدس الهام شده است. این دیدگاه که نظریه الهام تمام و کمال نام دارد، کتاب مقدس را نوشته ای می داند که تمام واژگان آن سخنان خداوند است و لفظ لفظ آن از طریق افرادی که مأمور رساندن پیام خداوند بودند و خود هیچ گونه نقشی و تأثیری در آن نداشتند به ما رسیده است.)

کولز یکی از نویسندگان (جهان بیبل) می گوید:

(کتاب مقدس را باید کتابی الهی دانست که هرچه در آن است کلمات و سخنان خداست و از بیان و قلم نویسنده ای که به او این کلمات و آیات الهام شده هیچ اثری در کتاب وجود ندارد.)

به باور او نویسندگان کتاب مقدس از عقل خویش برای درک آیات و کلام خدا استفاده کرده و در سایر زمینه ها مانند ابزاری بی اراده به نوشتن آیات الهی پرداخته و آیات را روی کاغذ می نوشتند؛ بنابراین کلمه کلمه کتاب مقدس کلام الهی است و در آن سخن و تفکر بشری نمی توان یافت. ۱۰

برابر دیدگاه این گروه آیات کتاب مقدس با وجود ناسازگاری هایی که با یکدیگر دارند قداست و ارزش خود را حفظ کرده اند و موجب سلب آرامش کسانی که به آن کتاب ایمان دارند، نمی شوند.

۲- گروه دوم معتقد به وحی دینامیکی یا فکری می باشند. براساس این نظریه واژگان آیات کتاب مقدس واژگانی بشری هستند، اما حقیقت و واقعیت کتاب مقدس الهام الهی است، یعنی معانی از سوی خداوند بر نویسندگان کتاب مقدس الهام شد و ایشان آن معانی را در قالب کلمات و جملات بشری در آوردند.

لوتر می نویسد:

(روح القدس نویسندگان را به آنچه سزاوار است انبیاء بیان کنند ارشاد می نمود و آنها نیز معانی را با الفاظی که خود می ساختند عرضه می کردند.) ۱۱

کلاید تارنر کتاب مقدس را وحی الهی می خواند و در تعریف وحی می نویسد:
(پطروس می گوید: کتاب مقدس سخن بندگان خدا با الهام از روح القدس است، اما نوشته های کتاب مقدس از نظر اهمیت و اعتبار در یک سطح نمی باشند؛ بعضی نوشته ها اعتبار فراوانی دارند و برخی دیگر از اهمیت کمتری برخوردارند.) ۱۲

کری ولف در این باره می نویسد:

(بنابر تعلیم کلیسا، انجیل ها کتاب هایی هستند که از خداوند الهام گرفته شده اند. نویسندگان انجیل ها با الهام از روح القدس انجیل ها را نوشته اند و اراده شخصی ایشان هیچ تأثیری در نگارش انجیل ها نداشته است. هرآنچه در انجیل ها آمده واقعی و خدشه ناپذیر است و اش تباه، ابهام، ناسازگاری در آنها به چشم نمی آید.) ۱۳

مستر هاکس آمریکایی نیز دیدگاه کلیسا را می پذیرد. او می گوید:

(کتاب مقدس بر مبنای وحی واحد بنا شده است و دستورالعملی است که هرگز کهنه و منسوخ نمی شود و همیشه و همه جا برای تمام افراد قابل استفاده است.) ۱۴

در برابر این گروه از مسیحیان که از باورهای کلیسایی حمایت می کنند گروهی از فلاسفه غرب و دانشمندان غربی کتاب مقدس را وحی الهی نمی دانند و قداست و ارجی که برای وحی باور دارند، برای کتاب مقدس قائل نیستند. افزون بر این، نویسندگان کتاب مقدس به ویژه نویسندگان عهد جدید را از حواریان حضرت عیسی (ع) به شمار نمی آورند.

بولتمان کتاب مقدس را وحی نمی دانست و انجیل ها را از نظر تاریخی غیرمعتبر و آمیخته با اساطیر معرفی می کرد. ۱۵

کری ولف نیز مانند بولتمان حکایات و داستان های (قرن اول میلادی) کتاب مقدس را نامعتبر و ناشایسته برای اعتماد می دانست. او معجزاتی چون دمیدن نطفه عیسی (ع) در مریم توسط روح القدس، شفای بیماران، زنده ساختن مردگان و عروج عیسی را که در کتاب مقدس بیان شده است از افسانه های اساطیر می خواند. ۱۶

همو در صفحه دیگری خاستگاه انجیل ها را مانند سایر کتاب های مقدس بشری و انسانی و خلاصه این جهانی می خواند. ۱۷

تئودور المبوسوستی از مدرسه انطاکیه برخی از نوشته های عهد عتیق را بشری می دانست. ۱۸
تولستوی یکی از شخصیت های معروف و سرشناس مسیحیت، ناسازگاری آیات کتاب مقدس را دلیل و حیانی نبودن آن می خواند:

(تورات عدالت را توصیه می نماید (چشم به جای چشم)، (دندان به جای دندان) در صورتی که عدالت انجیل آن است که (در برابر شرور مقاومت نکنید اگر گونه راست شما را سیلی زدند گونه چپ را پیش آورید، و اگر جامه شما را ربودند شل خود را بدهید).

با این ناسازگاری میان آیات امکان ندارد کتاب مقدس را الهام و وحی الهی بخوانیم. او به همین جهت پیشنهاد می کند کلیسا از عهد جدید و قدیم یکی را به عنوان وحی الهی معرفی نماید و از ایجاد سازش و سازگاری میان آیات آن دو اجتناب ورزد. ۱۹

بوئر یکی از فیلسوفان هگلی نیز از جمله فلاسفه ای است که وحی بودن تورات و انجیل را باور ندارد. او که سال های آخر عمر خود را وقف بررسی های تاریخی و انتقادی کرد، کتابی به نام نقادی انجیل شناسانه تاریخ یوحنا نگاشت. ۲۰

فیلسین شاله دانشمند و محقق معروف فرانسوی در کتاب (تاریخ کوچکی از مذاهب بزرگ) انجیل ها را از ساخته ها و دستاوردهای بشری می خواند و وحی بودن آنها را ناممکن می داند. ۲۱
کری ولف معتقدات انجیلی را معجونی از تناقضات و ناسازگاری ها می داند؛ او می نویسد:
(اگر نویسندگان انجیل ها این مطالب را با الهام از روح القدس نوشته باشند پس نتیجه می گیریم روح القدس نیز در تألیف چنین کتاب های بی اعتباری همدست آنهاست). ۲۲
اندیشمندی که وحیانیات کتاب مقدس را باور ندارند به دو گروه تقسیم می شوند:

۱. پژوهشگرانی که از ناسازگاری آیات و سایر کاستی های کتاب مقدس به این نتیجه رسیده اند که عهد قدیم و جدید وحی الهی نیستند و نوشته هایی مانند سایر نوشته های بشری هستند.
۲. دانشمندی که به دیده انکار به معجزات پیامبران و سایر امور خارق العاده می نگرند و دلیل وحیانی نبودن کتاب مقدس را ذکر معجزات و امور خارق العاده می دانند. برای نمونه کری ولف در شمار این اندیشمندان است. او که نگاهی مادی و پوزیتیویستی را دنبال می کند و به آیات عهدین از همین دریچه می نگرد، معجزات حضرت عیسی را انکار می کند و آنها را افسانه های اساطیری می خواند. بنابراین هرچند کری ولف کتاب را وحی الهی نمی داند و آن را مانند دیگر نوشته های بشری معرفی می کند، اما اگر آن را وحی الهی نیز بخواند در نگاه او معجزات عیسی(ع) افسانه است.
نتیجه اینکه دیدگاه ها و نقطه نظرات این گروه از دانشمندان دارای ارزش و اعتبار برای دینداران و آنان که معجزات و سایر امور غیرمادی را باور دارند، نیستند.

نویسندگان کتاب مقدس

نویسندگان کتاب مقدس را به دو گروه می توان تقسیم کرد: ۱. نویسندگان عهد عتیق ۲. نویسندگان عهد جدید.

بسیاری از مسیحیان، نویسندگان عهد عتیق را پیامبران یهودی می دانند. پیامبرانی که از دوران موسی(ع) تا زمان حضرت عیسی(ع) با اراده خداوند به نگارش کتاب و رساله و... مشغول بودند.
هاکس آمریکایی سفر پیدایش را که اولین کتاب عهد عتیق است از نوشته های موسی(ع) می خواند:

(اولین کتاب عهد عتیق مانند سایر کتاب های مقدس با الهام الهی نگارش یافته است). ۲۳

همو کتاب دوم عهد عتیق را که سفر خروج نامیده می شود از نوشته های موسی(ع) و دنباله داستان سفر پیدایش می داند. ۲۴

سومین کتاب عهد عتیق یعنی سفر لاویان نیز از کتاب های موسی(ع) به شمار می آید، هرچند برخی احتمال می دهند هارون، موسی را در نگارش این کتاب یاری کرده است. ۲۵
به اعتقاد هاکس، سفر اعداد و سفر تثنیه نیز از نوشته های حضرت موسی(ع) است. ۲۶

در برابر این گروه از مسیحیان که نویسندگان عهد عتیق را پیامبران می دانند و نوشته های ایشان را وحی الهی می خوانند، برخی از اندیشمندان غرب این کتاب ها را نوشته بزرگان یهود می دانند. برای نمونه اسپینوزا به دلایل زیر، اسفار خمسه یعنی سفر پیدایش، سفر خروج، سفر لاویان، سفر اعداد و سفر تثنیه را نوشته موسی(ع) نمی خواند، بلکه اثر شخصی به نام ابن عزرا معرفی می کند:

۱. در برخی از این اسفار اخبار داستان های متفاوتی از موسی(ع) نقل شده است مانند: سخن گفتن خدا با موسی(ع)، ارتحال موسی(ع)، فزونی صبر موسی(ع) بر دیگران و نیامدن پیامبری پس از او. ۲۷. چه اینکه اگر موسی(ع) این اسفار را نوشته بود از این اخبار گوناگون که درباره خود او می باشد چیزی نمی نوشت.

۲. در این کتاب ها از فوت موسی(ع)، دفن او، اندوه سی روزه عبرانیان و از نیامدن پیامبر دیگری پس از موسی(ع) سخن رفته است.

(پس موسی(ع) بنده خداوند در آنجا به زمین (موآب) برحسب قول خداوند از دنیا رفت. او را در زمین موآب در برابر بیت فَعُور در دره دفن کردند و هیچ کس محل دفن او را تاکنون نمی داند. موسی چون وفات یافت صد و بیست سال عمر داشت و از بینایی و توانایی او کاسته نشده بود و بنی اسرائیل برای موسی در عربات موآب سی روز ماتم گرفتند). ۲۸. در آیه دیگری می خوانیم:

(و پیامبری مانند موسی(ع) تاکنون در اسرائیل برنخاسته است که خداوند او را از روبرو شناخته باشد). ۲۹.

پرواضح است این اخبار، نوشته موسی(ع) نیست.

۳. در این اسفار نام هایی به کار رفته است که پس از فوت موسی(ع) وضع شده و رایج گردیده است. اما در زمان زندگی موسی(ع) این اسامی وجود نداشته است و به کار نمی رفته است؛ برای نمونه در سفر تکوین چنین آمده است

(چون ابرام از اسیری برادر خویش اطلاع یافت سیصد و هجده تن از خانه زادان کار آزموده خود را بیرون آورده و به دنبال ایشان تا (دان) تاخت). ۳۰. نام قدیم شهر دان، لاییش بود و پس از ارتحال موسی(ع) و با گذشت زمان زیادی از مرگ یشوع، لاییش به دان تغییر نام پیدا کرد.

۴. این کتاب ها رویدادهایی را بیان می کنند که پس از موسی(ع) رخ داده است و موسی از آنها بی اطلاع بوده است برای نمونه در سفر خروج چنین آمده است:

(و بنی اسرائیل مدت چهل سال من می خوردند تا به زمین آباد رسیدند، یعنی تا وقتی به سرحد زمین کنعان داخل شدند، خوراک ایشان من بود).

در صورتی که این واقعه سال ها پس از ارتحال موسی رخ داده است، چه اینکه در صحیفه یوشع می خوانیم:

(و در فردای آن روزی که از حاصل زمین خوردند من موقوف شد و بنی اسرائیل دیگر من نداشتند و در آن سال از محصول زمین کنعان می خوردند).

لازم به ذکر است که صحیفه یوشع را یکی از خادمان مخصوص موسی(ع) در سال ۱۴۲۷ قبل از میلاد نوشته است. ۳۱

اسپینوزا پس از ذکر این دلیل ها می گوید:

(از آنچه گفتم به روشنی پی می بریم اسفار خمسه نوشته موسی(ع) نیست، بلکه این کتاب ها را فردی دیگر به نام ابن عزرا چند قرن پس از وفات موسی(ع) نوشته است. ۳۲)

سایر کتاب های عهد قدیم نیز از سوی اسپینوزا و دیگران مورد نقد و بررسی قرار گرفت که برای نمونه تنها سخن اسپینوزا را درباره اسفار پنج گانه بیان کردیم.

نویسندگان عهد جدید

به اعتقاد مسیحیان هیچ یک از کتاب ها، نامه ها و حتی انجیل های چهارگانه در عهد جدید به صورت نوشته شده از سوی خداوند فرود نیامده است، چنان که هیچ یک از نوشته های عهد جدید، تألیف عیسی(ع) نیست. ۳۳

لاون تولستو از بزرگان مسیحیت می گوید:

(کسی که انجیل را می خواند باید بداند که عیسی مسیح در تمام مدت عمر خویش کتابی ننوشت، عیسی را نمی توان مانند بلاتون، فیلون و بامارک فریلی دانست؛ حتی او مانند سقراط که تعالیم خود را به شاگردان روشن فکر و مستقل القاء می کرد نیز نبود، زیرا شاگردان مسیح عده ای افراد ساده و در عین حال نادان بودند که با مسیح(ع) زندگی می کردند. آنها در زمان عیسی(ع) آنچه را از او آموخته بودند ثبت نکردند، اما پس از گذشت زمانی نسبتاً طولانی که تقریباً در حدود صد سال طول کشید، آنها به فکر ثبت و ضبط آموخته های خود برآمدند و اقدام به نگارش سخنان مسیح(ع) نمودند. ۳۴)

ولیم ادی یکی از مفسران انجیل، هیچ یک از کتاب ها و نامه های عهد جدید را اثر عیسی(ع) نمی داند او می گوید:

(به یقین عیسی(ع) هیچ یک از این کتاب ها و نامه ها را ننوخته است در روزهای نخست و اوایل ظهور مسیحیت، عهد جدید، زبان به زبان فرا گرفته می شد و تا بیست سال پس از صعود عیسی هیچ یک از این نوشته ها وجود نداشت. ۳۵)

جان ناس نویسنده کتاب (تاریخ جامع ادیان) می نویسد:

(روشن است که عیسی(ع) تعالیم و درس های خود را تحریر نکرد، بلکه به شاگردان خاص خویش اعتماد نمود و آنها را به اطراف جهان فرستاد تا اندیشه ها و باورهای او را برای دیگران بیان کنند.)

همو در ادامه این بحث از سخن تاریخ نویسان سود می برد و می گوید:

(تمام مورخان بر این باورند که تعدادی از نوشته های عهد جدید از سوی شاگردان مسیح(ع) و پس از ارتحال وی تهیه شده است. ۳۶)

چنان که گفته شد، هیچ یک از مسیحیان، عیسی(ع) را نگارنده انجیل ها و نوشته های عهد جدید نمی دانند، اما با این وجود درباره کسانی که کتاب های عهد جدید را نوشته اند اختلاف دارند که

برای نمونه به بیان دیدگاه های برخی از اندیشمندان درباره انجیل ها می پردازیم، چه اینکه انجیل ها در میان کتاب های مقدس در بالاترین مقام قرار دارند و سند اصلی مسیحیت به شمار می آیند، و همه سازمان ها و نهادهای مسیحیت به چهار انجیل معروف به عنوان منبع اصلی دین خویش استناد می کنند، تا آنجا که تعدادی از مسیحیان جز انجیل های چهارگانه به قد است هیچ کتاب و نوشته دیگری معتقد نیستند. ۳۷

براساس تعالیم کلیسا انجیل ها وحی الهی خوانده می شوند و نویسندگان آنها که از شاهدان و ناظران اعمال مسیح(ع) بودند، هنگام نگارش انجیل ها با روح القدس ارتباط داشتند و با الهام از او به ثبت آیات می پرداختند.

در برابر تعالیم کلیسایی و اعتقاداتی که کلیسا تبلیغ می کند، کری ولف تعالیم کلیسایی را نمی پذیرد. او می گوید:

(اگر انجیل ها با الهام از روح القدس نوشته شده اند، هیچ ضرورتی ندارد که نویسندگان انجیل ها را از شاهدان و ناظران اعمال مسیح بخوانیم، زیرا آنچه آنها نوشته اند با الهام از روح القدس بوده؛ بنابراین نیازی نیست که آنها ناظر و شاهد اعمال مسیح باشند). ۳۸

به نظر می رسد ولف تأکید و اصرار کلیسا را برای اثبات آن که نویسندگان انجیل ها شاهد و ناظر اعمال مسیح بودند، تنها در صورتی صحیح و درخور توجه می داند که انجیل ها را نوشته بشری بدانیم و به آنها به چشم نوشته آدمیان بنگریم.

اندیشه های کلیسایی از سوی عده دیگری از اندیشمندان غربی مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. دیپلوس، ایزلروکارناک با بررسی اختلافات و بی نظمی های کتاب مقدس به این نتیجه می رسند که این نوشته ها به وسیله روحانیون کلیسا تنظیم شده و نزدیکان و حواریون عیسی(ع) هیچ نقشی در تهیه و تنظیم آن نداشته اند. ۳۹

کارل کائوتسکی انجیل نویسان را افرادی سخت نادان می خواند که نظریات آنها درباره بسیاری از مسائل غلط از آب درآمد. ۴۰

همو می نویسد:

(امروزه ثابت شده است که انجیل ها و هیچ یک از آثار مسیحیت از سوی معاصران عیسی(ع) نوشته نشده است). ۴۱

به اعتقاد اسپینوزا عهد جدید و بخصوص انجیل ها وحی الهی نمی باشند. او می گوید: پولس در نامه ای که به اهالی کورنثه نوشت میان دو نوع و دو صورت از تبشیر فرق نهاد: ۱. تبشیری که برخاسته و برگرفته از وحی است. ۲. تبشیری که برگرفته از معرفت انسانی است. بنابراین، این سؤال در مورد نوشته های عهد جدید پیش می آید که حواریون به چه اعتبار سخن می گفتند؟ آیا به اعتبار آن که بر ایشان وحی می شود، یا به این اعتبار که در شمار فقها قرار داشتند.

در باور اسپینوزا نویسندگان عهد جدید صاحب وحی نبودند. چه اینکه انبیا و یا صاحبان وحی هنگامی که سخن می گویند گفته های خود را سخن خداوند معرفی می کنند. مثلاً می گویند: این کلام پروردگار است. اما حواریون چنین روشی ندارند و سخن خود را کلام خداوند معرفی نمی کن

ند؛ برای نمونه پولس در نامه اول خود به قرن‌تیان که از نوشته‌های عهد جدید است بارها به مخاطب خود یادآور می‌شود که آنچه من می‌گویم نظر شخصی من است نه خدا. (زن تا زمانی که شوهر او زنده است حق ندارد با مرد دیگری ازدواج کند، اما زمانی که همسر او فوت کرد می‌تواند با دیگری ازدواج کند. البته این حکم خداوند است اما نظر شخصی من آن است که در صورتی هم که همسر او مرد به عقد او باقی باشد و با مرد دیگری ازدواج نکند.) ۴۲ و از سوی خداوند در این مسئله نزد من چیزی نیست. ۴۳

هرگاه یکی از حواریون بگوید: (نزد ما از سوی خداوند حکمی است) مقصود او از این جمله آن نیست که خداوند به من وحی کرده است بلکه او می‌خواهد مطلب خویش را مستند به مسیح کند و آن را از تعالیم مسیح به شمار آورد. ۴۴

افزون بر این، صاحبان وحی به هنگام بیان آیات الهی استدلال نمی‌کنند، اما حواریون همیشه با استدلال، گفته‌های خویش را زینت می‌بخشند. ۴۵

به باور اسپینوزا انجیل‌ها وحی الهی به شمار نمی‌آیند. او به صورت استفهام انکاری می‌گوید: (کدام یک از ما می‌توانیم باور کنیم خداوند اراده کرده داستان و قصه عیسی(ع) را بیان کند و آن را چهار بار برای بشر تکرار نماید؟! ۴۶

* انجیل متی

مورخان کلیسا این انجیل را نوشته (متی) یکی از شاگردان مسیح(ع) می‌دانند. به اعتقاد آنها متی در تمام داستان‌ها و رخدادهایی که در انجیل خود ذکر می‌کند در کنار مسیح(ع) قرار داشته و آیات را براساس دیده‌ها و شنیده‌های خود در سال ۳۸ میلادی، یا چنان که عده‌ای معتقدند، بین سال‌های ۵۰ تا ۶۰ میلادی ثبت کرده است. ۴۷

* انجیل مرقس

این انجیل، اولین انجیلی است که برای بیان تاریخ زندگی مسیح(ع) نوشته شده ۴۸ و نویسنده آن مرقس شاگرد برنابا می‌باشد. هرچند مرقس از حواریون حضرت عیسی نبود، ولی انجیل خود را با نظارت و اشراف پطرس ۴۹ در حدود سال ۷۰ میلادی تصنیف نمود. ۵۰ اما انتشار این انجیل پس از وفات پطرس و پولس صورت پذیرفت.

* انجیل لوقا

این انجیل، نوشته لوقا از پیروان، همراهان و هم‌سفران پولس است. او که در بیشتر سفرها پولس را همراهی می‌کرده، انجیل خود را با هدایت و ارشاد پولس در حدود سال ۶۳ میلادی برای یکی از اشراف یونان و یا از بزرگان روم به نام تیوفلس نوشته است. ۵۱

* انجیل یوحنا

این انجیل پس از انجیل متی، مرقس و لوقا توسط یوحنا رسول در اواخر قرن اول میلادی نوشته شده است. بیشتر مسیحیان این انجیل را اثر یوحنا رسول می دانند و معتقدند یوحنا انجیل مرقس و لوقا را دیده و از انجیل مرقس بسیار سود برده است، اما از انجیل لوقا مانن د انجیل مرقس سود نبرده است.

در برابر این گروه از مسیحیان متعصب، عده دیگری از پژوهشگران مسیحی نویسندگان انجیل را ناشناخته و زمان نگارش انجیل ها را نامعلوم می دانند. کری ولف می گوید:

(انجیل متی نوشته (متی) نمی باشد، زیرا در زمان های گذشته نویسندگان برای آن که ارزش و اعتبار بیشتری به کتاب خود بخشند، آن را به نام یکی از پیامبران یا قدیسان انتشار می دادند. در مورد انجیل ها نیز این واقعه رخ داده است. با این تفاوت که نام گذاری انجیل ها از سوی دست اندرکاران کلیسا انجام پذیرفته است، نه از سوی نویسندگان آنها.)

کریزوستوم یکی از روحانیان مسیحی که از بزرگان کلیساست، معتقد است: نام های نویسندگان انجیل ها را در پایان قرن دوم میلادی بر آنها گذاشته اند. در آن زمان انجیل ها را به شاگردان عیسی (ع) نسبت می دادند، تا از این راه بتوانند مردم را به باور آن سرگذشت ها و قصه ه ای ساختگی متقاعد کنند.

افزون بر این، کری ولف زمان نگارش انجیل ها را سالتهای پس از درگذشت و رستاخیز عیسی می داند. او بر این باور است که اولین انجیل تقریباً در حدود سال ۱۵۰ میلادی نوشته شده است، چه اینکه در (رسالات) که از سوی افراد و شخصیت های پیش از سال ۱۵۰ میلادی نوشته شده، هی چ اشاره ای به انجیل ها وجود ندارد. همچنین در رساله (دیداخه di dakhe) یا (طریقت حواریون اثنی عشر) که بین سال های ۱۳۰ تا ۱۴۰ میلادی نوشته شده، نامی از انجیل ها به میان نیامده و مطلبی از آنها نقل نگردیده است. تنها رساله ای که از انجیل ها سخن می گوید (ایرنه) i r enee است که در سال ۱۸۰ میلادی نگارش یافته است؛ بنابراین می توان نتیجه گرفت اولین انجیل، کمی پیش از سال ۱۵۰ میلادی نگارش یافته است و همین انجیل تا زمان (ایرنه) باقی مانده است. ۵۲

همو انتساب انجیل یوحنا را به یوحنا حواری باور ندارد:

(این اسم نیز ساختگی است و پژوهش های جدید نشان می دهد این انجیل قبل از دیگر انجیل ها نوشته شده است، نه پس از آنها چنان که بسیاری معتقدند.)

هانری دولافوس اندیشمند فرانسوی در سال ۱۹۲۵ در تحقیقی با عنوان (انجیل چهارم) پس از بررسی های بسیار به این نتیجه رسید که انجیل یوحنا توسط یکی از شاگردان مارسیون مرتد نوشته شده و چند سال بعد یکی دیگر از پیروان مارسیون باب بیست و یکم و موعظه عیسی (ع) در (صحن مقدس) را بر آن افزوده است. این انجیل در نهایت از سوی یکی از پیروان مسیح بین سال های ۱۰۷ تا ۱۷۵ تنظیم شد و برای آن که اعتبار بیشتری یابد آن را به یوحنا نسبت دادند و به (انجیل یوحنا) مشهور گشت. ۵۳

عده دیگری از مسیحیان، انجیل یوحنا را اثر یوحنا یوحنا می دانند نه یوحنا رسول ۵۴ و بعضی دیگر یکی از پیروان یوحنا رسول یا یوحنا پیر را نویسنده انجیل یوحنا می خوانند. براساس این دیدگاه، انجیل یوحنا نوشته یوحنا پیر است، اما پس از گذشت زمانی نه چندان طولانی مسیحیان یوحنا پیر را با یوحنا رسول اشتباه گرفتند. ۵۵

نابایسته های کتاب مقدس

ناسازگاری های آیات کتاب مقدس با یکدیگر و با یافته ها، دستاوردهای علمی و باورها و اعتقادات دینی از سری مسائل مطرح شده در این موضوع است.

ناسازگاری عهد جدید با عهد قدیم

از آن زمان که عهد جدید به عهد قدیم ضمیمه شد و کتاب مقدس شکل گرفت، گروهی از اندیشمندان مسیحی برخی از آیات عهد جدید را ناسازگار با آیات عهد عتیق یافتند و وحیانیّت کتاب مقدس را زیر سؤال بردند.

مارسیون، یکی از فلاسفه غرب، ناسازگاری بزرگی میان خدای عهد عتیق با خدای عهد قدیم می دید و بر همین اساس خدای این دو کتاب را یکی نمی دانست. ۵۶

تولستوی نیز میان تورات که از نوشته های عهد عتیق است با انجیل که از سری کتاب های عهد جدید است ناسازگاری می دید، و به همین جهت تورات و انجیل را وحی الهی به شمار نمی آورد. او معتقد بود از این دو کتاب یکی وحی است و دیگری نوشته بشری. وی می نویسد: تورات و انجیل با یکدیگر ناسازگارند. تورات عدالت را (چشم به جای چشم) و (دندان به جای دندان) معرفی می کند، اما در آیات انجیل، قانون عدالت آن است که (در برابر شرور مقاومت نکنید؛ اگر به گونه راست شما سلی زدن گونه چپ خویش را پیش آورید) و (اگر جامه شما را ربودند شل خود را نیز بدهید) بنابراین چگونه امکان دارد هر دو تعریف و برداشت از عدالت، الهام الهی خوانده شود؟ به اعتقاد تولستوی نباید اشتباه کلیسا را مرتکب شد و در صدد ایجاد سازگاری میان آیات عهد جدید و عهد قدیم برآمد، چه اینکه از این دو یکی وحی الهی است و دیگری نوشته بشری. ۵۷

آنتونی کالینز در کتابی به نام (بحث درباره پایه ها و دلایل دین مسیحیت) می نویسد:

(پیش گویی های عهد عتیق مناسبت چندانی با مسیح ندارد و تفسیرهایی که در عهد جدید در مورد این پیش بینی صورت گرفته صحیح نمی نماید). ۵۸

بوکای نویسنده فرانسوی ناسازگاری ها میان عهد عتیق و انجیل ها را در مسأله پیدایش انسان و... یادآور می شود و این گونه ناسازگاری ها را ضعف بزرگ کتاب مقدس می خواند. ۵۹

ناسازگاری آیات کتاب مقدس

درجای جای کتاب مقدس به آیاتی بر می خوریم که با دیگر آیات ناسازگار می نماید. برای نمونه در مورد شجره نامه عیسی میان انجیل متی و لوقا همخوانی وجود ندارد؛ هر دو انجیل پدر عیسی را یوسف نجار معرفی می کنند:

(یوسف نجار در سنین پیری با مریم که از (روح القدس) بار دار بود ازدواج کرد.)
حال این سؤال مطرح می شود که اگر پدر واقعی عیسی یوسف نجار نیست و مریم از روح القدس باردار شده، پس چرا در شجره نامه عیسی او را پدر عیسی معرفی می کنند و اگر یوسف نجار پدر واقعی عیسی است، پس داستان باردار شدن مریم از روح القدس چه معنی و مفهومی دارد؟ از سویی دیگر اگر یوسف در تولد عیسی نقشی نداشته باشد باید انجیل ها عیسی را فرزند خدا معرفی کنند، نه آن که شجره نامه عیسی را بیان نمایند و اثبات کنند عیسی از خانواده داودشاه بوده است.
۶۰

افزون بر این، شجره نامه عیسی در انجیل متی با شجره نامه او در انجیل لوقا تفاوت بسیاری دارد؛ در انجیل متی پدر بزرگ عیسی یعقوب است، ولی در انجیل لوقا پدر بزرگ او هالی خوانده شده است. در انجیل متی درباره اجداد عیسی چنین می خوانیم:

(یوسف پسر یعقوب پسر متان، ایلعازر پسر ایلپهوو و پسر یاکین، پسر صادق پسر عازور.)

در صورتی که انجیل لوقا در این باره می گوید:

(یوسف پسر هالی پسر متان پسر لاوی، پسر ملکی، پسر نیا، پسر یوسف، پسر متاتیا پسر آموس
و...)

انجیل متی از ابراهیم تا عیسی چهل و دو نفر را در سلسله نسب ذکر می کند، ولی انجیل لوقا پنجاه و شش نفر را در سلسله نسب ذکر می کند. در همین راستا آرتوردروز دانشمند آلمانی و مسیحی در شجره نامه انجیلی عیسی می گوید:

(بررسی جزئیات این شجره نامه امکان پذیر نیست، زیرا نویسندگان انجیل ها از پیش خود این شجره نامه را بیان می کنند.) ۶۱

نمونه دیگر: در انجیل متی و یوحنا هیچ ذکری از صعود عیسی به آسمان وجود ندارد، اما در انجیل لوقا صعود در همان روزی رخ داده که عیسی از قبر خارج شده، و همین صعود در اعمال رسولان، چهل روز پس از برخاستن و خروج عیسی از قبر اتفاق افتاده است و به خلاف این دو کتاب در انجیل مرقس زمان صعود تعیین نشده است. ۶۲

ناسازگاری آیات با علم

در آغاز مسیحیت، بزرگان مسیحی هماهنگی میان کتاب مقدس و علوم را یکی از عناصر ضروری برای اثبات اصالت یک متن می خواندند و سنت آگوستین نیز در نامه شماره هشتاد و دو خود بر این اصل مهر تأیید زد، اما پس از آن که علوم به صورت چشمگیری گسترش یافتند و بشر بر کشف نیافته های توانا شد، ناسازگاری ها میان آیات کتاب مقدس و مطالب علمی و یافته های جدید آشکار گردید، به ناچار بزرگان کلیسا از تصمیم سابق خویش که تطبیق و مقایسه میان آیات کتاب مقدس و علوم بود دست کشیدند. ۶۳

در برابر موضع کلیسا، گروهی در پی کشف ناسازگاری ها برآمدند. پورفیر، نقاد مسیحیت در عهد کهن یک سلسله تناقضات و سخنان باور نکردنی از کتاب مقدس نقل می کند. ۶۴

روند کشف ناسازگاری های کتاب مقدس با یافته های علمی همچنان ادامه داشت و دینداران نظریات جدید علمی را نوعی معارضه با وثاقت و اعتبار کتاب مقدس می انگاشتند، ولی لوتر و حتی کالون این گونه سخت گیر نبودند؛ به اعتقاد آنها وثاقت و منشأ اعتبار وحی در نص ملفوظ [= کتاب صامت] نبود، بلکه در شخص مسیح و مخاطب وحی بود.

اما از آغاز قرن هفدهم بسیاری از پروتستان ها کتاب مقدس را چون مخزن معارف لدنی، معصوم یا مصون از خطا، از جمله شامل مسائل علمی که از جانب خداوند صادر شده تلقی کردند، یعنی به جای آن که کتاب مقدس را روایت رویدادهایی بدانند که طی آنها خداوند خود را متجلی ساخته است، آن را مجموعه معارف بی خدشه و خطاناپذیری در نظر آوردند که گزارش گونه یا گزارش گویانه، لفظ به لفظ از سوی خداوند نازل شده است. این عده که چنین نگاهی به کتاب مقدس داشتند با نظریه کوپرنیک مخالفت می کردند، چه آن را با نصوص کتاب مقدس که بر زمین مرکزی دلالت داشت معارض می یافتند.

مدت ها پیش از داروین، دانش علمی - از اخترشناسی کوپرنیکی گرفته تا زمین شناسی جدید - سایه تردیدی بر نص [ترک تأویل] کتاب مقدس افکنده بود. افزون بر این، تحلیل علمی نصوص کتاب مقدس - تحقیقات تاریخی و ادبی که به انتقاد برتر مرسوم شده بود - به دلایل به کلی متفاوتی، رفته رفته خطاناپذیری و مصونیت از خطای متون مقدس را مورد چون و چرا قرار داده بود؛ بدین سان مایه تعجب بود که بخشی از شور و غوغای مردم علیه تکامل تغییر جهت داده و به معارضه با وثاقت و اعتبار کتاب مقدس تبدیل شده بود. یک علت آن این بود که برای نخستین بار اصول عقاید مهم کتاب مقدس - هدف داری جهان، شأن و اشرفیت انسان و نمایش شکوهمند آفرینش انسان و هبوط آدم - دستخوش تردید و تهدید شده بود و بسیاری از مسیحیان تنها یک راه برای دفاع از این باورها و اعتقادات داشتند و آن اعتقاد به معصومیت و خطاناپذیری کتاب مقدس بود که ویژه دوره اسکولاستیک پروتستان بود. اما از نظر نص گرایان که به ظاهر آیات استدلال می کردند، هیچ نوع سازش با نظریه تکامل امکان پذیر نبود و سفر پیدایش آفرینش انواع را به همین هیئت کنونی که یکباره انجام گرفته شرح می دهد. ۶۵

در برابر این گروه که از تعصب شدیدی برخوردار بودند، عده ای ناسازگاری های آیات کتاب مقدس با یافته ها و مسائل علمی را موجب از بین رفتن قداست کتاب مقدس نمی دانستند و در پی کشف ناسازگاری ها بودند.

یکی از اسقف های آفریقا که با ریاضیات آشنایی کامل دارد، به بررسی نقادانه کتاب مقدس می پردازد. او می گوید:

بر اساس برخی مقررات که در اسفار پنج گانه عهد عتیق وجود دارد، کشیشان اولیه عبرانی باید هر کدام روزانه دقیقاً هشتاد و پنج عدد کبوتر را میل می کردند و در هر دقیقه چهارصد تا هزار و پانصد گوسفند را قربانی کرده باشند. ۶۶

پیاتی گورسگی در این باره می نویسد:

در انجیل ها چه از جهت تاریخی و چه از لحاظ جغرافیایی مطالب نادرست فراوان به چشم می خورد، و نویسندگان متون مقدس بی تردید از مکان هایی که توصیف کرده اند اطلاع نداشته اند؛ مثلاً (متی) از گردبادی وحشتناک حکایت می کند، در صورتی که منظور او از این گردباد، دریا چه کوچک (ژنزاره) بوده است.

در انجیل مرقس و انجیل متی از رمه های بزرگ خوک یهودیان که در حدود ۲۰۰۰ رأس بوده و در فلسطین می چریده اند، سخن به میان آمده است. با اینکه یهودیان خوک را نجس می دانستند و از گوشت آن استفاده نمی کردند، و به پرورش آن نمی پرداختند.

در انجیل متی بوته خردل گیاهی فصلی و بزرگ تر از سبزی های خوردنی معرفی شده است و متی بر این باور بوده که این گیاه به اندازه درختان رشد می کند و قد می کشد و پرندگان بر شاخه های آن آشیانه می سازند. (۶۷)

بر اساس انجیل لوقا، یوسف در زمان سرشماری در امپراطوری روم همراه با مریم از ناصره به بیت اللحم سفر کرد و عیسی در آنجا دیده به جهان گشود، در صورتی که در دوران امپراطوری آگوست اصلاً سرشماری انجام نگرفت و یهودیه نیز تا پس از زمان فرضی تولد عیسی به امپراطوری روم ضمیمه نگردید، بلکه سرشماری در سال هفتم صورت پذیرفت و آمارگران تنها به محل سکونت اهالی منطقه رفتند، و ضرورتی نداشت که به بیت اللحم وارد شوند. ۶۸

ناسازگاری های عهد عتیق با یافته ها و دستاوردهای علمی به اندازه ای زیاد و در خور توجه است که بوکای می گوید:

(در مورد عهد عتیق نیازی نبود از کتاب نخست آن یعنی سفر پیدایش پا فراتر نهم تا به تأکیداتی آشتی ناپذیر و غیرقابل توجیه با معلومات قطعی علمی روبرو شوم). ۶۹

ناسازگاری آیات با باورها و اعتقادات

بر اساس انجیل، عیسی به جهان آمد تا بنی آدم را از عواقب گناه اولیه ای که آدم و حوا مرتکب شدند رهایی بخشد. این باور که اساس تمام معتقدات انجیلی خوانده می شود، در نگاه کری ولف قابل فهم نیست، زیرا در تمام جهان هستی کسی نیست که بالا دست خدا قرار گیرد؛ بنابراین خداوند که پسر خویش را برای بازخرید آدمیان فدا می کند، این فداکاری را در قبال چه کسی می نماید و در برابر چه کسی مسئول است و قربانی خود را به چه کسی تقدیم می کند؟ ۷۰

برتراند راسل فیلسوف معروف پس از نقل این سخن عیسی (در برابر کسی که با شما بدرفتاری می کند مقاومت نورزید و به عکس اگر کسی به گونه راست شما سیلی زد گونه چپ خود را نیز در معرض سیلی او قرار دهید) ۷۱ می گوید:

این دستورالعمل تازگی ندارد و لائوتسو پنج یا شش قرن پیش از عیسی آن را مطرح کرده است و افزون بر این کسی به این دستور عمل نمی کند، هر چند مسیحی کاملاً معتقدی باشد. ۷۲

به اعتقاد راسل بعضی آیات انجیل ناسازگار با عقل می نماید، مانند اینکه عیسی تصور می کرد که رجعت یا ظهور دوم در میان ابرهایی از حشمت پیش از اینکه زندگان از دنیا بروند انجام خواهد

گرفت، چه اینکه او می گوید: شما هنوز از شهرهای اسرائیل گذر نکرده اید که فرزند انسان ظهور خواهد کرد... بسیاری از افرادی که اینجا حضور دارند پیش از نظاره بازگشت و حکومت پسر جلال فرزند انسان از دنیا نخواهند رفت. راسل می نویسد:

(بر اساس برخی جمله ها می توان نتیجه گرفت: عیسی می پنداشت دومین ظهورش در زمانی است که مخاطبانش در قید حیات باشند. وقتی عیسی می گفت برای روز بعد نگران نباشید، قصد او این بود که تصور می کرد ظهور دوم او به زودی رخ خواهد داد و در نتیجه امور و مسائل مربوط به زندگی دنیوی اهمیت و ارزش خود را از دست می داد.) ۷۳

یکی دیگر از معتقدات انجیلی مسأله تثلیث است؛ یعنی خدای پدر (أب)، خدای پسر (ابن) و خدای روح القدس. مسأله تثلیث از جمله مطالبی است که مورد تأیید عقل قرار نمی گیرد و همه خداپرستان در این مسأله سرگردان می باشند، چه اینکه بر اساس تعالیم کلیسا خدا واحد و یگانه است. اما در عین حال در وجود سه شخص یا سه صورت تجلی می کند: أب، ابن و روح القدس. این سه شخص نیز از هم جدایی ناپذیرند، زیرا تثلیث غیرقابل تقسیم است، و با این وجود هر یک از اجزای تثلیث به صورت مستقل در خارج وجود دارند؛ مثلاً وقتی که روح القدس بر مریم عذرا ظاهر شد تا عیسی را برای او به وجود آورد، بی تردید جدای از آن دو فرد دیگر آمده است، بنابراین تثلیث غیرقابل تقسیم شده است؟

انجیل ها نقل می کنند که پس از آن که عیسی ده ها سال بر زمین زیسته است. آیا او در این مدت از خدای پدر جدا بوده و یا در حالی که شکل آدمی داشته غیرقابل تقسیم و لاینفک باقی مانده است. اگر جدا بوده پس تثلیث غیرقابل تقسیم است و مسیحیان سه خدا را می پرستند نه یک خدا را، و اگر در آن مدت از آن دو جدا نبوده پس خدای پدر (أب) و روح القدس نیز با او به صورت انسان بوده، تازیانه خورده، محاکمه شده و به صلیب کشیده شدند. بنابراین خدای پدر نه تنها پسر خود، بلکه روح القدس را نیز خدا کرده است. به جهت همین اشکالات است که مبلغان مسیحی فهم و درک مسأله تثلیث را ناممکن می دانند.

انجیل های همانند یا همسو

هر چند میان انجیل ها ناسازگاری و ناهماهنگی بسیار به چشم می آید و از این جهت آنها را در معرض شک و تردید قرار می دهد، اما همانندی هایی نیز میان انجیل ها وجود دارد. لغت و واژگان به کار رفته در سه انجیل متی، لوقا و مرقس تا حد زیادی به یکدیگر شباهت دارند، تا آنجا که خواننده آنها را سه انجیل نمی بیند، یا اگر سه انجیل ببیند سه انجیل متشابه می بیند؛ بنابراین، این گونه مشابَهت ها نیز انجیل ها را مورد اشکال قرار می دهد.

فلوید فیلون می نویسد:

(انجیل متی و لوقا تشابه زیادی با یکدیگر دارند. در این دو انجیل، حوادث و گفتارهای انجیل مرقس کاملاً تکرار شده است و تا حدود زیادی لغت های یونانی به کار رفته در سه انجیل متحد و یکدست است. به همین جهت این سه انجیل را (انجیل های متشابه) نامیده اند.) ۷۴

تفاوت هایی که میان انجیل ها وجود دارد با شباهت های کامل در ترتیب و محتوا و جمله بندی متعادل می گردند. وقایع بسیاری از زندگی مسیح در هر چهار انجیل ذکر شده است و چون این وقایع نسبت به یک فرد مشخصی است، طبیعی است که هماهنگی و سازگاری فراوانی میان مطالب و شرح اصول کردار عیسی(ع) وجود داشته باشد، اما با این وجود پرواضح است که میان سه انجیل متی، لوقا و مرقس از جهت محتوا و روش بیان، ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. به همین جهت این سه انجیل، انجیل های هم نظر یا متشابه خوانده شده اند.

در این بحث در واقع سؤال اساسی چنان که (مریل . سی . تنی) می گوید این است که اگر سه انجیل متشابه از جهت اصل و شیوه تدوین کاملاً مستقل از دیگری بوده اند، پس چرا این اندازه شباهت میان این سه انجیل وجود دارد تا آنجا که بعضی موارد و کلمات به کار رفته در انجیل ها یکی باشند؟ برای نمونه شفای مبروص در انجیل متی ۷۵ انجیل مرقس ۷۶ و انجیل لوقا ۷۷ ذکر شده است. در هر سه انجیل به یک رخداد اشاره شده است، چه اینکه در هر سه مورد عملی که انجام شده یکی است و مکالمات صورت گرفته تقریباً شبیه یکدیگرند، هر چند جملاتی که برای بی ان اتفاق مورد استفاده قرار گرفته به جهت برابری با متن کلی با یکدیگر متفاوتند. اما سخنان عیسی در هر سه انجیل کاملاً شبیه یکدیگرند. این یکی بودن کلمات را چگونه توجیه کنیم؟!

چرا سه نفری که گفته می شود به صورت مستقل از یکدیگر به نوشتن انجیل مشغول بودند، از کلمات و واژگانی استفاده می کنند که شبیه یکدیگرند؟! آیا نویسندگان انجیل ها نوشته ها و یا انجیل های خود را از روی یکدیگر نوشته اند و یا از منبع مشترکی استفاده نموده اند و یا اینکه در نگارش انجیل ها با هم همفکری داشته اند؟ برای حل این مشکل نظریه ها و فرضیه هایی از سوی متفکران مسیحی ابراز شده است:

۱. برخی از صاحب نظران فرضیه (منابع شفاهی) را مطرح می کنند. بر اساس این فرضیه نویسندگان انجیل ها یا از کارها و تعالیم عیسی(ع) اطلاع شخصی داشته اند و یا اینکه محتوای موعظه هایی را که بارها از رسولان شنیده بودند به رشته تحریر درآورده اند. برابر این فرضیه حق ایق مربوط به عیسی مسیح جمع آوری و مرتب گردید و سپس به خاطره ها سپرده شد و در نهایت به صورت شفاهی و تقریباً ثابت موعظه درآمد. ۷۸

۲. فرضیه دوم فرضیه استفاده از یکدیگر است. صاحبان این نظریه معتقدند که دو انجیل از مطالب انجیل دیگر استفاده کرده اند.

۳. نظریه سوم که مشهورترین نظریه است استفاده از منابع کتبی نام دارد. بنابر این فرضیه، متی و لوقا انجیل های خود را بر اساس انجیل مرقس و مجموعه ای از فرمایشات عیسی به نام (Q) نوشته اند. این حرف مخفف کلمه آلمانی (quel l e) به معنای منبع می باشد. ۷۹

تمام مورخان بر این باورند که پس از مرگ عیسی تعدادی از شاگردان وی کلمات و سخنان او را به رشته تحریر درآوردند و یادداشت های تاریخی بر آن افزودند، و در نتیجه یک سند بلکه یک سلسله اسناد در مسائل این دین به وجود آمد که ایشان از آن به حرف (Q) تعبیر می کنند. این مجموعه در اثر اعمال مسیحیان رنگ های خاصی به خود گرفته و بعضی از اقوال بر آن افزوده شده و به سهو

و اشتباه آنها به عیسی منسوب گشته است، ولی با این وجود مجموعه (Q) به صورت یک سند محکم و قابل اطمینان است.

فرضیه سوم بر این اساس مطرح شده که انجیل پژوهان با وجود هماهنگی و همخوانی انجیل متی و لوقا در محتوا و ترتیب مطالب، تمام محتویات انجیل مرقس را در این دو انجیل یافته اند تا آنجا که برخی می گویند: ۹۵٪ مطالب انجیل مرقس تقریباً کلمه به کلمه در انجیل متی وجود دارد و در حدود ۶۰٪ انجیل مرقس در انجیل لوقا کلمه به کلمه به کار رفته است. ۸۰ و هر چند متی و مرقس گاه مطالبی ذکر می کنند که در انجیل لوقا نشانی از آنها وجود ندارد، و گاه لوقا و مرقس مطالبی بیان می کنند که در متی وجود ندارد، ولی انجیل متی و لوقا بر خلاف انجیل مرقس چیزی نمی گویند. بنابراین به نظر می رسد که متی و لوقا بدون اینکه از یکدیگر خبر داشته باشند، هر دو از مرقس استفاده کرده اند.

کارل لاخان بر این باور بود که متی و لوقا از انجیل مرقس سود برده اند. این نظریه نخستین بار در قرن نوزدهم میلادی پیدا شد و پس از سال ۱۸۶۰ مورد پذیرش گروهی قرار گرفت. این نظریه امروزه نیز از طرفداران زیادی برخوردار است. ۸۱

از سوی دیگر برخی از مطالب مربوط به گفتارها، مانند موعظه مسیح بر فراز کوه، در انجیل متی و لوقا یاد شده است، اما در انجیل مرقس اثری از این رخداد نمی توان یافت. افزون بر این، مجموعه هایی از سخنان عیسی (ع) بر روی پاپیروس متعلق به دوره آغاز مسیحیت پیدا شده که همزمان با

انتشار انجیل مرقس بوده است و این خود حکایت از وجود منبع دیگری به نام (Q) دارد. ۸۲
بارنت استریتر هنگامی که متوجه شد برخی از مطالب انجیل لوقا تنها در این انجیل یافت می شود و در انجیل مرقس و (Q) و متی وجود ندارد و همچنین برخی از مطالب انجیل متی اختصاصی است مانند تمثیل ملکوت آسمان به مردی که تخم نیکو در زمین کاشت، پیشنهاد کرد که تعداد منابع چهار عدد باشد: ۱. منبع مرقس ۲. منبع (Q) ۳. منبع (M) ۴. منبع (L) که دو منبع اخیر در بردارنده مطالب خاص انجیل متی و مطالب خاص لوقا هستند. او می گوید: (L) نتیجه تحقیقات شخصی لوقا می باشد و (M) نتیجه تحقیقات شخصی متی. ۸۳

بر اساس فرضیه سوم، ارتباط میان انجیل ها و منابع به این شکل قابل ارائه است.

در نگاه انجیل پژوهان انجیل مرقس در حدود سال ۷۰ میلادی نگارش یافته است و انجیل متی بین سال های ۸۰ تا ۱۰۰ نوشته شده است، هر چند بیشتر انجیل پژوهان سال ۸۵ میلادی را سال نگارش این انجیل معرفی می کنند. انجیل لوقا بین سال های ۹۰ تا ۹۵ به رشته تحریر درآمد. بنابراین دو انجیل لوقا و متی امکان دارد از انجیل مرقس گرفته شده باشند. ۸۴ و چون داستان های کودکی عیسی و بسیاری دیگر از قصه ها در انجیل لوقا آمده، اما در سایر انجیل ها نیامده، در می یابیم که انجیل لوقا از یک منبع خاص سود برده است و سایر انجیل ها از آن منبع بی بهره بودند. همچنین در انجیل متی فرازهایی وجود دارد که در سایر انجیل ها اثری از آن نمی توان یافت؛ مانند تمثیل ملکوت آسمان به مردی که تخم نیکو در زمین کاشت.

تحریف کتاب مقدس

ناسازگاری های کتاب مقدس با اصول و قوانین قطعی علمی، ناسازگاری آیات با یکدیگر و ... گروهی از پژوهشگران مسیحی را به این نتیجه رسانده که کتاب مقدس تحریف شده است. تولستوی یکی از محققان پرتلاش مسیحی که مطالعات گسترده ای درباره انجیل ها داشته آنها را از جمله کتاب هایی می داند که پس از ارتحال مسیح نوشته شده و آنها را پر از نقص، عیب و تحریف شده می خواند. به باور تولستوی، انجیل ها منابع آلوده ای هستند که مورخ نمی تواند جز با دقت و زحمت بسیار به آیین مسیح دست یابد. به همین جهت باید چشم را بر روی این کتاب ها بست و از آنها سود نبرد. ۸۵

بوکای نویسنده فرانسوی نوشته های عهد عتیق را در آمیخته با وحی می داند و نویسندگان آن را افرادی می داند که در رابطه با الزامات و ایجابات دوره خویش در آنها دستکاری و تصرف کرده اند. ۸۶

سلز یکی از فلاسفه که متهم به پیروی از نظریات اپیکور است و اصول عقاید مسیحی را مورد نقد و بررسی قرار داده، با لحنی تند و خشن می گوید:

(بعضی از مؤمنان در حالتی شبیه مستی سه چهار بار و حتی بیشتر متن اصلی انجیل ها را برای زدودن اتهام از آنها تغییر داده اند، اما در عین حال انجیل های کلیسایی با وجود تحریف های بسیار دست کاری های فراوان هنوز هم پر از تناقض است.) ۸۷

آنتونی کالینز در کتاب (گفتار درباره آزاد اندیشی) که دنباله فکر خداپرستی خالص بود گفت:

(معانی و مطالب کتاب مقدس به وسیله کشیشان دنیامدار تحریف شده است.) ۸۸

اعتقاد به تحریف کتاب مقدس آن چنان در میان مسیحیان رواج یافته که مونتهگمری وات می کوشد دلالت آیات قرآن بر تحریف کتاب مقدس را محدود نماید. او با پذیرش این نکته که آیات زیر دلالت بر تحریف کتاب مقدس دارد، می نویسد: این آیات دلالت بر تحریف کلی کتاب مقدس ندارد. ۸۹ آیات مورد نظر او از قرار زیرند:

(أفتطمعون أن يؤمنوا لكم و قد كان فريق منهم يسمعون كلام الله ثم يحرفونه من بعد ما عقلوه و هم يعلمون) بقره/۷۵

آیا طمع دارید یهودیان به دین شما بگردند در صورتی که گروهی از آنان کلام خدا را شنیده و به دلخواه خویش تحریف می کنند با آن که در کلام خدا تعقل کرده و معنای آن را دریافته اند.

(من الذين هادوا يحرفون الكلم عن مواضعه و يقولون سمعنا و عصينا) نساء/۴۶

گروهی از یهود کلمات خدا را از جای خود تغییر داده و گویند فرمان خدا را شنیده و از آن سرباز زدیم.

(يحرفون الكلم عن مواضعه) مائده/۱۳

بنی اسرائیل کلمات خدا را از محل خود تغییر می دادند.

(يحرفون الكلم من بعد مواضعه يقولون إن اوتيتهم هذا فخذوه و ان لم تؤتوه فاحذروا) مائده/۴۱

گروهی کلمات حق را بعد از آن که به جای خود مقرر گشت، تغییر دهند و گویند اگر حکم قرآن این گونه آورده شد، بپذیرید و گرنه از آن دوری کنید.

۱. ولف، کری، مفهوم انجیل ها، ترجمه محمد قاضی / ۹.
۲. آمریکایی، هاکس، قاموس کتاب مقدس / ۷۱۸.
۳. همان / ۷۱۸.
۴. هیوم، رابرت، ادیان زنده جهان، ترجمه عبدالرحیم گواهی / ۳۳۶.
۵. سی . تنی، مریل، معرفی عهد جدید، ترجمه طاطه وس میکائلیان / ۱۳۵.
۶. بی نام، تفسیر العهد الجديد / مقدمه؛ سی . تنی. مریل، معرفی عهد جدید / ۱۳۶.
۷. همان / ۱۳۷.
۸. کتاب مقدس، سفر خروج باب ۲۴ آیه ۲.
۹. کتاب مقدس، کتاب ارمیا، باب ۳۰ آیه ۱ و ۲.
۱۰. آشتیانی، جلال الدین، تحقیقی در دین مسیح / ۱۵.
۱۱. عزیز، فهیم، علم التفسیر / ۱۱۹؛ مرکز اللوثری للخدمات الدینیة فی الشرق، سؤال و جواب، ۲ / ۲۰.
۱۲. تارنر، ج . کلاید، هذه عقائدنا / ۷.
۱۳. ولف، کری، مفهوم انجیل ها / ۹.
۱۴. آمریکایی، هاکس، قاموس کتاب مقدس / ۷۱۸.
۱۵. براون، کالین، فلسفه و ایمان مسیحی، ترجمه طاطه وس میکائلیان / ۱۵۸.
۱۶. ولف، کری، مفهوم انجیل ها / ۷۵.
۱۷. همان / ۱۰۵.
۱۸. عزیز، فهیم، علم التفسیر / ۵۹.
۱۹. مکی، بریان، فلاسفه بزرگ، ترجمه عزت الله فولادوند / ۴۲.
۲۰. آوی، آلبرت، سیر فلسفه در اروپا، ترجمه علی اصغر حلبی / ۲۵۴.
۲۱. کاشف الغطاء، محمد حسین، انجیل و مسیح / ۱۹.
۲۲. ولف، کری، مفهوم انجیل ها / ۲۲.
۲۳. آمریکایی، هاکس، قاموس کتاب مقدس / ۲۳۴.
۲۴. همان / ۳۴۸.
۲۵. همان / ۷۶۱.
۲۶. همان / ۸۰ و ۲۴۵.
۲۷. کتاب مقدس، سفر اعداد، باب ۲۵ آیه ۳.
۲۸. کتاب مقدس، سفر تثنیه، باب ۲۵ آیه ۶ - ۹.
۲۹. همان، باب ۲۵ آیه ۶ - ۱۰.

۳۰. کتاب مقدس، سفر پیدایش باب ۱۴ آیه ۱۴.
۳۱. قاموس کتاب مقدس / ۹۷۱.
۳۲. عویضه، کامل محمد محمد، الاعلام من الفلاسفه، باروخ اسپینوزا / ۱۵۶.
۳۳. مرکز اللوثری للخدمات الدينيه، سؤال و جواب، ۱ / ۴۹.
۳۴. تولستو، انجيل تولستو / ۳۴.
۳۵. كنز الجليل فى تفسير الانجيل، ۱ / ۳، به نقل از: آشنایی با مكتب مسيحيت / ۳۳۹.
۳۶. ناس، جان، تاريخ جامع اديان / ۵۷۵.
۳۷. ولف، كرى، مفهوم انجيل ها / ۹.
۳۸. همان / ۱۷ - ۱۸.
۳۹. آشتياني، جلال الدين، تحقيقى در دين مسيحيت / ۲۹.
۴۰. كائوتسكى، كارل، بنيادهای مسيحيت، ترجمه عباس ميلانى / ۳۴.
۴۱. همان / ۳۳.
۴۲. کتاب مقدس، باب ۷ آیه ۴۰.
۴۳. همان.
۴۴. عویضه، کامل محمد محمد، الاعلام من الفلاسفه، باروخ اسپینوزا / ۱۶۹.
۴۵. کتاب مقدس، قرنتيان اول، باب ۱۰ آیه ۱۵.
۴۶. عویضه، کامل محمد محمد، الاعلام من الفلاسفه، باروخ اسپینوزا / ۱۷۱.
۴۷. آمريکايى، هاکس، قاموس کتاب مقدس / ۷۸۲.
۴۸. عزيز، فهيم، المدخل الى العهد الجديد / ۱۵۹.
۴۹. آمريکايى، هاکس، قاموس کتاب مقدس / ۷۹۲.
۵۰. ريچارد بوش و ديگران، جهان مذهبی اديان، ترجمه عبدالرحيم گواهی / ۶۷۵.
۵۱. آمريکايى، هاکس، قاموس کتاب مقدس / ۷۷۲.
۵۲. ولف، كرى، مفهوم انجيل ها / ۱۱۰.
۵۳. همان / ۱۱۱.
۵۴. آمريکايى، هاکس، قاموس کتاب مقدس / ۹۶۶.
۵۵. فيلسوفان، فلويد، کلید عهد جديد، ترجمه مسعود رجب نيا / ۷۴.
۵۶. آوى، آلبرت، سير فلسفه در اروپا / ۸۱.
۵۷. مکى، بريان، فلاسفه بزرگ / ۴۲.
۵۸. براون، کالين، فلسفه و ايمان مسيحي / ۴۹.
۵۹. بوکای، عهدین، قرآن و علم / ۱۳.
۶۰. ولف، كرى، مفهوم انجيل ها / ۲۷.
۶۱. همان / ۲۸.
۶۲. بوکای، عهدین، قرآن و علم / ۷۵.

۶۳. همان / ۱۱.
۶۴. گورسکی، ل. پیاتی، مبانی مسیحیت / ۱۸۱.
۶۵. باربور، ایان، علم و دین / ۳۵.
۶۶. ریچارد بوش و دیگران، جهان مذهبی ادیان، ترجمه عبدالرحیم گواهی / ۷۱۴.
۶۷. گورسکی، ل. پیاتی، مبانی مسیحیت / ۱۸۱.
۶۸. کائوتسکی، کارل، بنیادهای مسیحیت / ۳۴.
۶۹. بوکای، عهدین، قرآن و علم / ۱۳.
۷۰. ولف، کری، مفهوم انجیل ها / ۱۸.
۷۱. کتاب مقدس، انجیل متی، باب ۳۸ آیه ۳۹.
۷۲. برتراند، راسل، چرا مسیحی نیستیم، ترجمه روح الله عباسی / ۱۹.
۷۳. همان / ۲۲.
۷۴. فیلسوفان، فلوید، کلید عهد جدید / ۲۴.
۷۵. کتاب مقدس، انجیل متی، باب ۸ / ۲ - ۴.
۷۶. کتاب مقدس، انجیل مرقس، باب ۱ / ۴۰ - ۴۵.
۷۷. کتاب مقدس، انجیل لوقا، باب ۵ / ۱۲ - ۱۶.
۷۸. سی. تنی، مریل، معرفی عهد جدید / ۱۴۹؛ براون، کالین، فلسفه و ایمان مسیحی / ۱۵۹.
۷۹. ناس، جان، تاریخ جامع ادیان / ۵۷۵.
۸۰. ریچارد بوش و دیگران، جهان مذهبی ادیان / ۶۷۵.
۸۱. براون، کالین، فلسفه و ایمان مسیحی / ۱۶۰.
۸۲. سی. تنی، مریل، معرفی عهد جدید / ۱۴۵.
۸۳. همان / ۱۵۰.
۸۴. ریچارد بوش و دیگران، جهان مذهبی ادیان / ۶۷۵.
۸۵. مکی، بریان، فلاسفه بزرگ / ۴۳.
۸۶. بوکای، عهدین، قرآن و علم / ۲۸.
۸۷. گورسکی، ل. پیاتی، مبانی مسیحیت / ۲۲۱ - ۲۲۲.
۸۸. آوی، آلبرت، سیر فلسفه در اروپا / ۲۵۴.
۸۹. مونتگمری وات، ویلیام، برخورد آرای مسلمانان و مسیحیان، ترجمه محمد حسین آریا / ۵۴.